مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد.

حنیف رهیاب رحیمی ۲۰۲۶/۱۰/۲۸

طنز جنگ حروف الفبا



مصروف خواندن یک مطلب جالب دربارهٔ صلح و جنگ بودم ولی دفعتاً متوجه شدم که در روی صفحه حروف بنای گدودی و بگو مگو را گذاشته بجان هم افتادند.
جنجال از جایی شروع شد که حرف الف با کلان کاری و خود بزرگ بینی ادعا کرده بود که من حرف اول الفبا هستم و جایگاه من از همه بالاتر است اگر من نباشم، بسیاری از شماها اصلاً معنی نمی دهید. و اینها منتظر من بودند تا بیایم شاهد و ناظر جدال شان باشم .
حرف «ش» که از این ادعا و خودخواهی حرف الف سخت برآشفته شده بود، با خشم پاسخ داد:
— عجب ادعای بیجا، ای الفِ خودخواه و بی شکم، تو که بدون کمک دیگران حتی نمی توانی یک کلمهٔ درست بسازی، حالا ما را توهین می کنی؟
الف با خشم گفت:
— تو خاموش باش چون در شیطنت، شر و فساد، شومی و شرمندگی شامل هستی! هر جا که شرارت و شر و شور بر پا می شود، پای تو در میان است، از شرم و شرمساری گرفته تا شایعه و شورش، همه با تو سر و کار دارند!
ش با خشم جواب داد:
اگر من در شر شامل هستم، درشعر و شبنم و شادی، شیرینی، شرافت و شجاعت هم هستم، چرا خوبی‌هایم را نمی‌بینی و فقط بدی‌هایم را به رُخم می‌کشی؟
حرف ب که تا این لحظه خاموش نشسته بود، فرصت را غنیمت شمرد و گفت:
— من هم از دست این الف که سر و پایش معلوم نیست، به ستوه آمده ام این قاق روده در هر کلمه می‌خواهد صدرنشین باشد، خودش را در آغاز و آبادی و اتن و آرامی می بیند، اما وقتی نوبت آفت و بلا می‌رسد، پای دیگران را پیش می کشد، مگر ما حروف الفبا نیستیم؟
الف با تمسخر خندید و گفت:
— ای ب تو بهتر است خاموش باشی، تو با بلا، بدی، بیکاری و "بیچارگی رفاقت دیرینه داری. اگر تو نباشی، بسیاری از بدبختی‌ها بی نام و نشان خواهند شد.
حرف م که از شنیدن این سخنان به خشم آمده بود، میان حرف آن‌ها پرید و گفت:
— بس کنید دیگر، شما همه تان در ملامت و متهم سازی استاد هستید. اگر قرار باشد از روی چند کلمهٔ بد دربارهٔ یک حرف قضاوت کنیم، پس من هم باید به خاطرمرگ و ماتم محکوم شوم در حالی که در ترکیب مادر، محبت، مهربانی و مروت هم سهم دارم!
حرف ک که گویا منتظر همین فرصت بود، خندید و گفت:
— آفرین م جان سخن بجا گفتی. من هم می‌توانم از الف شکایت کنم. این الف بی شکم درفرار، اختلاف، افراط، آزار و آشوب حضور دارد و اینک خود را بی گناه جلوه می‌دهد. اما وقتی نوبت کتاب، کوشش، کامگاری و کامیابی می‌رسد، ناگهان فراموش می‌کند که من هم در ساختن این کلمات سهم دارم!
در همین هنگام، حرف «د» نجوا کرد که: ای الف ای اسکلیت ناجور، خدا انصافت بدهد، اول بودن در الفبا، دلیل بر برتر بودن مقام تو نیست. تو در آزادی ، عدالت و درایت و دانایی هستی اما من هم در آنجا حضور دارم. هیچ کدام از ما به تنهایی نمی‌توانیم معنی بدهیم و مفهومی بسازیم .
همه ما رسالت و مسوولیت مشترک داریم اگر هر حرف بخواهد خودش را برتر از دیگران بداند، دیگر از الفبا چیزی جز یک میدان جنگ باقی نمی‌ماند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

حرف گ که هنوز از اتهام‌های الف دل پر درد داشت، ناطاقت شد و گفت:
— حرف د درست می گوید. ما همه در ساختن کلمات شریک هستیم یکی در گل سهم دارد، دیگری در بهار، یکی در عشق و دیگری در امید مشکل از ما نیست مشکل از کسی است که از حروف، کلمات زشت می‌سازد و بعد حواله فرد دیگری می کند!
حرف ش با لبخند گفت:
— پس بهتر است به جای جنگ و جدال، کلماتی بسازیم که دنیا را زیباتر کنند مثل صلح، صفا، همکاری، مهربانی و آشتی.
همه حروف با شنیدن این مباحثه به فکر فرو رفتند. الف هم که دیگر پاسخی نداشت، کمی سرش را پایین انداخت و آهسته گفت:
— شاید حق با شما باشد. من همیشه فکر می‌کردم چون اول هستم، باید از همه بهتر باشم اما حالا می‌فهمم که اول بودن، مسئولیت می‌آورد، و یک نمره است که حق تحقیر دیگران را به هیچوجه ندارد.
*
درست در همین لحظه، چشمم به همان مطلبی افتاد که پیش از آغاز این جنجال می‌خواندم. عنوانش هنوز روی صفحه بود: صلح و جنگ.
با خود گفتم: دنیای عجیبی داریم! حتی حروف الفبا هم گاهی فراموش می‌کنند که برای ساختن یک کلمه باید با دوستی کنار هم بنشینند چه رسد به انسان‌هایی که برای ساختن یک جامعه، به یکدیگر نیاز دارند.
اما درست وقتی خواستم نفسی آسوده بکشم، حرف گ دوباره سرش را بلند کرد و گفت:
— بسیار خوب، آشتی کردیم ولی یک موضوع باقی مانده است!
همه با نگرانی پرسیدند:
— کدام موضوع؟
گفت:
— حالا که قرار است با هم همکاری کنیم، چه کسی حاضر است در کلماتی چون گاو کله، مرگ، گدودی و گندگی جای من را بگیرد تا دیگر گناه به گردن من نیفتد؟
با شنیدن این حرف، دوباره جنجال قبلی بالا گرفت و من با ناامیدی صفحه را بستم و زیر لب گفتم:
— ظاهراً صلح و همکاری را همه دوست دارند اما وقتی نوبت به قبول مسئوولیت می‌رسد، حتی حروف الفبا هم با هم جور نمی‌آیند!



آرشیف: مطالب نشر شدهٔ حنیف رهیاب رحیمی

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ